

دوره ی مسابقات
والیبال جام

۲۰



روز سوم

 [jamevahman](https://www.instagram.com/jamevahman)

۲۱ الی ۲۴ بهمن ماه ۱۳۹۹





سخن نخست

دومین روز از جام ۲۰ را پشت سر گذاشتیم، روزی که پر فشار ترین روز برای تیم برگزاری بود.

در این روز شاهد مشکلاتی از جمله قطعی سراسری اینترنت و پایین بودن پهنای باند بودیم که باعث شد تیم فنی برگزاری تلاش های خودشان را برای رفع این مشکل انجام دهند.

این ها نشان دهنده این است که چقدر جام و همین برای ما یعنی تیم برگزاری جام و همین مهم است. ما متعهد شدیم که بهترین جام را برای جامعه خوشنام زرتشتی برگزار کنیم. حال چه مجازی باشد و یا چه حضوری.

امسال ما یک جا ننشستیم و تلاشمان را کرده ایم تا با شما عزیزان ارتباط برقرار کنیم. از این رو چالش هایی را در نظر گرفتیم که شما هم در جام با ما سهیم باشید. این چالش ها به این صورت می باشد که ما عکس هایی از سال های گذشته در صفحه رسمی اینستاگرام جام و همین میگذاریم و شما باید بگویید که این تصاویر برای چه جامی می باشد. و به کسانی که پاسخ درست بدهند به قید قرعه جوایز نقدی اهدا می کنیم.

سپاسگزاریم که تا سومین روز جام با ما همراه بودید. امیدواریم که از برنامه هایی که برای بیستمین دوره مسابقات والیبال جام و همین تدارک دیده ایم خوشتان آمده باشد و لذت کافی را در این دو شب گذشته و امشب برده باشید. به امید روزی که این بیماری ریشه کن شود و شاهد جام حضوری باشیم.

به امید آن روز





مصاحبه

در خدمت سرکار خانم نگار جهانگیری هستیم و افتخار مصاحبه با ایشان رو داریم. خانم جهانگیری از چه سالی والیبال رو شروع کردید اصلا چرا والیبال؟ چرا ورزش دیگه رو انتخاب نکردید؟ کسی مشوقتون بود؟

با عرض خسته نباشید خدمت تیم وهمن نامه و هموندان انجمن یانش وران مانتره، من والیبال رو از سال ۱۳۸۴ وقتی که کلاس چهارم دبستان بودم شروع کردم، ورزش‌های دیگه‌ای هم انجام می‌دادم اما تا امروز هیچ ورزشی رو مثل والیبال با برنامه و تمرین دنبال نکردم. تو این راه مشوق‌های زیادی داشتم از جمله خانواده و دختر عمم که منو به تمرینات می‌برد و باعث یادگیری و تشویق بیشتر من میشد. ورزش‌های دیگه ایم انجام میدید؟ و اینکه والیبال حالا از هر نظر جسمی و روحی روی ورزش دیگه‌ی شما تاثیر می‌ذاره؟؟ من ورزش دیگه‌ای رو انجام نمیدم اما تمرین

والیبال تا حد زیادی روی زندگی من از جمله کار، درس و تاثیر داشته و داره.

خب این یه بیوگرافی کامل و قشنگ از خودتون بود حالا بریم سراغ خود جام وهمن

شما تو جام وهمن شناور بودید یعنی توی یه تیم ثابت نبودید دلیلش چی بوده؟ و اینکه بعضی وقت‌ها حتما چون شهرهاتون از هم دور بوده نتونستید با تیمی که انتخاب کردید تمرین کنید، براتون سخت نبوده؟ یعنی تاثیری داشته روی روند بازیتون؟ من با تیم تفت و توابع که یک تیم دوستانه بود شروع کردم، بعد از اون وارد تیم استاد مریم‌آباد شدم اما بعد از چندسال چون اسپانسر برای حمایت نبود این تیم هم به کار خودش پایان داد، بعد از اون با حمایت جناب آقای شهرام پوردهی و خانواده ارمین عزیز، با

همازوری اعضای تیم استاد، تیم یاران ارمین رو تشکیل دادیم، بعد از چندسال به خاطر مشغله‌های کاری و زندگی، بعضی از اعضای تیم از ما جدا شدن و اعضای جدید به تیم وارد شدن، این باعث بعضی از ناهماهنگی‌های رفتاری بین ما شد و من علیرغم میل از این تیم جدا شدم و الان ۳ ساله که با تیم سازمان و باشگاه جوانان زرتشتی بازی میکنم و از بودن کنار اعضای اون تیم لذت میبرم.





جام وهمن رو چه جوری میبینید؟ به نظر شما اونجور که میگن جام حرفه ای یا تکنیکی والیبال هست؟ یا کمبودهایی داره؟ مطمئنا کمبودهایی داره حالا از هر نظر (برگزار کننده ها، ساعت بازیها، خوابگاه، غذا، جایزه ها و یاد بودها ، داورها، ...) اصلا بهتره بگم هر چه میخواهد دل تنگت بگو هر مشکلی که تو این چند سال دیدید و خواستید بگید رو حتما بگید قول میدیم برای درست کردنش اقدام کنیم

میخوام از چند دیدگاه از این جام براتون حرف بزنم، از لحاظ تعداد زیاد تماشاچی که دلگرمی بازیکنان و برگزارکنندهها رو رقم میزنه و باعث میشه انجمن یانشوران مانتره هر سال برای بهتر شدن جام تلاش کنه. بازیکنای جام وهمن هم تو این چند سال رشد و پیشرفت زیادی داشتن و این هم باعث تلاش بیشتر برگزارکنندهها شده. من خودم دو سال مسئول خوابگاه تو جام وهمن بودم و چندین جام مختلف زرتشتی هم شرکت کردم و میتونم به جرات بگم که جام وهمن از لحاظ خوابگاه و اسکاندهی بازیکنان رتبه اول رو بین جامهای زرتشتی داره. در اخر باید بگم که این جام چون یک جام حرفه ای و تخصصیه، تموم تلاش برگزار کنندهها نزدیک کردن اون به معیارهای جهانی بوده و هرچند الان تا حد خیلی کمی به اون معیار نزدیک شدن اما همین تلاش اثربخش بوده و موجب بهبود کیفیت بازیها و افزایش تعداد بازیکنای حرفه ای شده که این امر خودش باعث تشویق نوجوونا برای یادگیری والیبال میشه.

به نظرتون تو جام وهمن سطح بازیها برابر هست؟ یعنی میشه از روز اول حدس زد بازیها چه جوری پیش میره؟ نتایج بازیها چه جوریه؟ کی برنده میشه؟ به نظرم نود درصد میشه حدس کرد که چه تیمهایی به فینال میرسن و سطح بازیها برابر نیست اما قابل پیش بینی.

این شایعه ای که پارسال پخش شد که کرونا تو جام وهمن پخش شده رو شنیدید؟ به نظر شما تا چه حد صحت داره؟ درواقع این یه حقیقتی بود که اگر برگزارکنندههای جام وهمن از شیوع این ویروس اطلاع داشتن اونو برگزار نمیکردن و باعث نمیشد که خیلی از همکیشا چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم درگیر این بیماری بشن.



تو دوران کرونا به تغذیه و ورزشتون رسیدگی میکنید یا این کرونا باعث شده افت بدنی پیدا کنید و چون جام‌های زرتشتی برگزار نمیشه میل و رغبتی برای ورزش ندارید؟ راستش خیر و از اول کرونا نه تغذیه‌ای رعایت میکردم و نه ورزشی انجام میدادم اما خداراشکر یک ماهی هست که در یک باشگاه شروع به تمرین کردم.

آیا شما از طرف مسئولین جامعمون یا مسئول‌های شهرتون برای ورزشتون حمایت شدید؟

پارسال که قرار بود سازمان در لیگ استانی شرکت کنه از همه بازیکنان برای تمرین دعوت کرد و ازشون تقدیر کردن و من متاسفانه به خاطر مصدومیتی که برام رخ داد نتونستم همراه بچه‌ها تو لیگ شرکت کنم.

به نظرتون ورزشکارهای جامعه در حد همین جام‌های زرتشتی ورزش کنن کافیه؟ حمایت میشن؟ یا اینکه استعدادهاشون سرکوب میشه؟ بستگی به دیدگاه بازیکن داره، اگه بازیکن برای بودن کنار دوستانش و داشتن یک تیم برای شرکت در جام‌های مختلف وارد این رشته میشه، بله جام‌های زرتشتی کافیه و حمایت لازم رو هم دریافت میکنه، اما اگر هدف بازیکن رسیدن به سطح بالایی از این ورزشه لازمه که با جامعه بزرگتر و کشوری تمریناتشو پیگیری کنه و حقیقتش اگر بازیکن از جامعه بیرون نرن و تمرین‌های بیشتریو نبینن سطح والیبالی جامعه هم ثابت میمونه و انگیزه‌ای برای رقابت نمیمونه.

میدونم که خسته شدید و عذر خواهی میکنم که سرتونو درد آوردیم و ممنونیم که وقتتون رو به ما اختصاص دادید ...

در آخر اگه حرفی ، سخنی ، توصیه‌ای دارید بفرمایید به گوش جان میشنویم در آخر هم تشکر میکنم از تموم مربی‌ها، سرپرست‌ها و هم‌تیمی‌هایی که تا امروز داشتیم و هر کدومشون یک درس جدید برای من بودن و امیدوارم همه‌ی جوانای زرتشتی موفق و سرافراز باشن و در هر رشته‌ای باعث رشد و ارتقای جامعه زرتشتی بشن. یک توصیه کوتاهی هم که دارم اینه که ما باید یاد بگیریم که تیم یعنی احترام متقابل و هدف بازیکنان نباید دیده‌شدن خودشون باشه بلکه باید موفقیت تیمشون رو بخوان و حتی اگه این موفقیت رو به دست نیووردن احترام اعضای تیم مقابل، داور و برگزارکننده‌ها رو حفظ کنن.





گذری در جام

تلفنم داشت زنگ میخورد، گوشی رو برداشتم، هماهنگ‌کننده جام بود.. خوبی؟ امسال جام برگزار میشه، باید برای وهمن‌نامه بهمون کمک کنی چند ثانیه مکث کردم و بعد سوالامو به سمتش روانه کردم: چی؟ مگه کرونا نیست؟ چه‌جوری؟ اصلا مگه میشه؟ خندید و گفت: اره کروناست اما دلیل نمیشه جام رو برگزار نکنیم، درسته سخته، درسته بازی‌ها نیستن اما با کمک هم مثل هر سال جاممون رو برگزار می‌کنیم و نمی‌ذاریم بیستمین سال از زحماتمون بی‌نتیجه بمونه تلفنو قطع کرد و من موندم و یک دنیا شور و شوق از دوباره برگزار شدن جام و غمی که بابت مجازی بودنش داشتم.

روزا میگذشت و هرروز منتظر بودیم که هماهنگ‌کننده دوباره زنگ بزنه و بگه چون کرونا کم شده میتونیم جام رو حضوری برگزار کنیم، اما این اتفاق نیفتاد و رسیدیم به روزای برگزاری، روزایی که همیشه پر از شور و شوق برگزارکننده‌ها بود، شب‌بیداری‌هایی که برای درست برگزار شدن جام میکشیدن، همدلی‌هاشون با هم با وجود تموم انتقادا و سختیایی که بهشون وارد بود و روز آخری که فقط خاطره میموند از اون همه کنار هم بودن اما الان برگزارکننده‌ها هنوز بیدار میمونن، هنوز با هم دوستن ولی پشت کامپیوتر و گوشی برای درست پخش شدن لایوها و مجازی برگزار شدن جام. جام امسال هم با تموم نبودنش برگزار میشه، به امید دوره بیست و یکم جام وهمن که باز برگردیم و بسازیم خاطره‌هایی که امسال نساختیم.





مصاحبه

در خدمت جناب آقای فرشاد خدادای هستیم و افتخار مصاحبه با ایشان رو داریم. آقای خدادای از چه سالی والیبالی رو شروع کردید اصلا چرا والیبالی؟ چرا ورزش دیگه رو انتخاب نکردید؟ کسی مشوقتون بود؟

وقت شما بخیر، ممنون از انجمن یانشوران مانتره و همه شما عزیزان که برای جام و همون هر ساله تلاش می‌کنید. در واقع همیشه گفت والیبالی رو از سال خاصی شروع کردم چون والیبالیست شدن من یک روند تدریجی داشته و این بر میگردد به وضعیت شیراز که خلاصه‌وار یکم براتون توضیح میدم. توی شیراز و باغ وقفی جو به صورتی بود که پنج‌شنبه جمعه‌ها همه دور هم جمع میشدیم و بازی میکردیم. از اونجایی که تعداد جوون‌های زرتشتی توی شیراز کم بود، خیلی وقت‌ها تیم‌ها تشکیل نمیشد. برای همین دنبال افراد بیشتری بودیم که یک تیم دوازده نفره والیبالی یا دو تیم فوتبال تشکیل بدیم، و به همین خاطر اکثر شیرازی‌ها چند رشته ورزشی رو در حد متوسط کار کردن، اینجا جا داره درود بفرستم به روان پاک شادروان مهندس افلاطون سهرابی، فرنشین سابق انجمن زرتشتیان شیراز، که خودشون دوست‌دار و اهل ورزش بودن و همیشه و همه‌جوره هوای ورزشکارها رو داشتن. رشته ورزشی اصلی من بدمینتون بود که از سال ۷۷ شروع کردم. ولی آخر هفته‌ها که میرفتیم باغ وقفی از در که وارد میشدی صدای بازی از زمین والیبالی وسط باغ میومد، توی شیراز والیبالی خیلی طرفدار داشته و داره، همین شد که اول به صورت تفریحی و برای با جمع بودن والیبالی رو شروع کردم، کم کم سنم که بیش تر شد و توان جسمی و قدرتی بیشتری به دست اوردم، سرویس‌هام از تور رد میشد و به‌خاطر استیل بدمینتونیم و نوع ضربه زدنم به توپسرویس‌های خوبی میزدم و آقای شهرام پوردهی و رامتین شهریاری که از اعضای قدیمی و ثابت کمیسیون ورزش شیراز هستن تشویقم کردن که در کنار بدمینتون توی تمرین‌های والیبالی تیم پارسه شیراز هم شرکت کنم. بعد از اون، روز به روز علاقم به والیبالی بیش تر شد و همیشه گفت از سال ۸۶ یا ۸۷ بود که جدی تر والیبالی رو دنبال کردم.

ورزش‌های دیگه ایم انجام میدید؟ و اینکه والیبالی حالا از هر نظر جسمی و روحی روی ورزش دیگه ی شما تاثیر میذاره؟؟

ورزش اول من یک ورزش انفرادی بود، در حالی‌که ورزش والیبالی یک ورزش تیمی و گروهیه، برای همین وقتی حرفه ای دنبالش کردم یک تجربه جدید بود، ولی مهم‌ترین تاثیرش در زندگی ورزشی من تاثیر فیزیکیش بود که تاثیر خوبی هم نبود. وقتی شما تفریحی ورزش می‌کنید هیچ اشکالی نداره





چند تا رشته رو دنبال کنید ولی وقتی دید حرفه ای داشته باشید دیگه جواب نمیده. من وقتی والیبال رو حرفه ای دنبال کردم و براش وقت گذاشتم، کم کم استیل بدمینتونم بهم خورد، همین طور رو آوردن حرفه ای به والیبال در کنار بدمینتون، به دلیل تفاوت در نوع ضربه زدن به توپ، باعث آسیب دیدن کتفم شد که هنوز هم باهام هست.

خب این یه بیوگرافی کامل و قشنگ از خودتون بود حالا بریم سراغ خود جام و همین شما تو جام و همین شناور بودید یعنی توی یه تیم ثابت نبودید دلیلش چی بوده؟ و اینکه بعضی وقتها حتما چون شهرهاتون از هم دور بوده نتونستید با تیمی که انتخاب کردید تمرین کنید، براتون سخت نبوده؟ یعنی تاثیری داشته روی روند بازیتون؟ این موضوع چند دلیل داشت. من تا وقتی شیراز بودم همیشه با تیم شیراز میومدم مسابقات. بعد از اون دانشجوی کرمان شدم. توی همون سال و سالهای قبلش خیلی از هم تیمیها و دوستان ما مهاجرت کرده بودن، یا از شیراز رفته بودن یک شهر دیگه و عملاً تشکیل تیم پارسه شیراز امکان پذیر نبود. از طرفی من با تیم کرمان تمرین می کردم، برای همین دوران دانشجوییم با تیم کرمان در مسابقات حضور پیدا کردم. بعد از دانشجویی هم دوباره سعی کردیم تیم شیراز تشکیل بشه ولی شرایطش جور نشد. برای همین دیگه بازیکن آزاد بودم. خودم تمرین می کردم و مجبور بودم توی تیمهای مختلف بازی کنم. و صد درصد، بودن توی تیمی که باهاش تمرین نکردی با تیمی که هفته ای ۳ بار همه بچه ها باهم تمرین کنن خیلی تفاوت داره و باعث مشکلات فنی و عدم هماهنگی میشه.

جام و همین رو چه جوری میبینید؟ به نظر شما اونجور که میگن جام حرفه ای یا تکنیکی والیبال هست؟ یا کمبودهایی داره؟ مطمئناً کمبودهایی داره حالا از هر نظر (برگزار کننده ها، ساعت بازیها، خوابگاه، غذا، جایزه ها و یاد بودها، داورها، ...)
اصلاً بهتره بگم هر چه میخواهد دل تنگت بگو

هر مشکلی که تو این چند سال دیدید و خواستید بگید رو حتما بگید قول میدیم برای درست کردنش اقدام کنیم..

به نظر من سطح هر مسابقه ورزشی تخصصی به دو عامل بستگی داره. ۱- امکانات و شرایط برگزاری مسابقات ۲- ورزشکار ها و تیم های حاضر در مسابقه.
جام و همین از نظر امکانات و شرایط سالن، کیفیت توپ و داوری شرایط خوبی داره و اینکه فقط در یک رشته تخصصی برگزار میشه امتیاز خیلی مثبتی هست. ولی از نظر





زمان‌بندی مسابقات و ساعت برگزاری بازی‌ها، امکانات و شرایط خوابگاه، یا تغذیه و استراحت بازیکنان مثل مسابقات تخصصی کشوری نیست. همچنین در جامعه ما بخاطر کم بودن تعداد، اکثر ورزشکاران توی ۲-۳ رشته فعالیت می‌کنند تا تیم تشکیل بشه و بتونن توی تمام جام‌ها شرکت کنن و یا حتی تعداد تیم‌ها به حد نصاب برسه که جام برگزار بشه. این واقعا برخلاف اصول ورزش تخصصی هست و خودش باعث میشه ما چیزی به عنوان جام تخصصی نتونیم برگزار کنیم، همچنین اکثر جام‌های ورزشی ما با اینکه حس رقابت و ورزش درونش هست، ولی بیش‌تر حالت دوره‌می و گردهمایی داره. به نظرم باید سیاست‌گذاری‌ها تغییر کنه و با اتخاذ تصمیمات جدید، حس و حال ورزشی و رقابتی جام‌ها و انگیزه برای یک سال تمرین مداوم و برنده شدن در مسابقات رو بیش‌تر کنه تا واقعا وجهه یک جام ورزشی به خودش بگیره، وگرنه سه هفته قبل از جام تیم تشکیل دادن و شرکت کردن در مسابقات، زیاد با یک جام تخصصی همخوانی نداره.

به نظرتون تو جام وهمن سطح بازی‌ها برابر هست؟ یعنی میشه از روز اول حدس زد بازی‌ها چه‌جوری پیش میره؟ نتایج بازی‌ها چه‌جوریه؟ کی برنده میشه؟ بله، به نظرم تا حدودی میشه چهار تیمی که از گروه‌ها صعود می‌کنن رو حدس زد. چون ورزشکاران تقریبا ثابت هستن و سطح و مهارت بازی‌شون مشخص هست و متاسفانه تیم‌ها هم تمرین مداوم ندارن که بشه انتظار پیشرفت با تغییر ملموسی توی یک سال از یک تیم داشت.

تو دوران کرونا به تغذیه و ورزشتون رسیدگی میکنید یا این کرونا باعث شده افت بدنی پیدا کنید و چون جام‌های زرتشتی برگزار نمیشه میل و رغبتی برای ورزش ندارید؟ بله، کرونا باعث شده از ورزش و تمرین تا حد خیلی زیادی دور بمونم و افت بدنی رو هم در پی داشته. در مورد اینکه شرکت در جام‌های ورزشی زرتشتیان انگیزم برای تمرین باشه، باید بگم خیلی اینجوری نبوده. چون من هم بدمینتون و هم والیبال رو در سطح استانی و کشوری کار میکردم، محرک و انگیزه اصلیم حضور در مسابقات کشوری بود. ولی مسابقات خودمون هم بی‌تاثیر نبود. در واقع باید بگم مسابقات خودمون برای من محرک و انگیزه شروع بودن.





این شایعه ای که پارسال پخش شد که کرونا تو جام و همن پخش شده رو شنیدید؟ به نظر شما تا چه حد صحت داره؟
بله شنیدم. به نظرم شایعه نیست و واقعیت داشت.

آیا شما از طرف مسئولین جامعمون یا مسئولهای شهرتون برای ورزشتون حمایت شدید؟

بله، همون طور که گفتم شادروان مهندس افلاطون سهرابی همیشه حامی ورزش و ورزشکاران شیراز بودن. از طرف دیگه در شیراز همیشه پیشکسوتها (که تعدادشون خیلی زیاد هست و نمیتونم نام ببرم، ولی از همشون ممنونم) جوونا رو ترغیب می کنن به ورزش، بهشون میدون میدن و در طول راه حمایت و همراهیشون می کنن.

به نظرتون ورزشکارهای جامعه در حد همین جام های زرتشتی ورزش کنن کافیه؟ حمایت میشن؟ یا اینکه استعدادهاشون سرکوب میشه؟

متأسفانه جامعه ما به دلیل کم بودن تعداد با یک سری محدودیتها مواجه هست و برای همین سطح مسابقات ما خیلی بالا نیست. به نظر من باید تعداد جامهایی که برگزار میشه کم بشه و هر شهر مسئولیت برگزاری یک رشته تخصصی رو به بهترین نحو بر عهده بگیره، یک ورزشکار وقتی پیشرفت میکنه که حریف تمرینی بهتر و قوی تر از خودش داشته باشه، توی میداین کشوری با ورزشکارهای قوی تر رو به رو بشه و انگیزه بگیره برای پیشرفت. به نظر من برای اینکه بتونیم قهرمان و به امید خدا ملی پوش داشته باشیم، باید مسابقاتمون یک سکوی پرتاب باشه برای ورزشکارامون، که استعداد یابی بشن، علاقه مند بشن، اصول اولیه رو یاد بگیرن و بعدش حمایت بشن تا با تیم های استانی و در عرصه هایی غیر از جامعه خودمون رقابت کنن و افتخار آفرین باشن. نباید دیدمون و افقمون محدود به این بشه که برای مثال فقط تیممون توی جام و همن اول بشه یا بهترین بازیکن جام و همن بشیم. بلکه باید با تیم های استانی و برای مسابقات کشوری تمرین کنیم، بعدش بیایم توی جام و همن هم بازی کنیم تا هم جامعه ای که برای ما زحمت کشیده از دیدن بازی و مسابقات لذت ببره، هم سطح بازیها بالاتر بره و هم برای دیگران الگو باشیم.



میدونم که خسته شدید و عذر خواهی میکنم که سرتونو درد آوردیم و ممنونیم که وقتتون رو به ما اختصاص دادید ...

در آخر اگه حرفی ، سخنی ، توصیه‌ای دارید بفرمایید به گوش جان میشنویم...
در آخر دوباره تشکر می‌کنم از تمام مسئولین و برگزار کنندگان و تمام کسانی که همه‌جوره از ورزش هازمان زرتشتی حمایت می‌کنند و امیدوارم ورزشکار هامون دید حرفه‌ای‌تری به ورزش داشته باشن، با جامعه ورزشی بیرون تعامل داشته باشن و به فراتر از مسابقات ورزشی زرتشتی فکر کنند، بعد از پیدا کردن علاقتشون هم‌زمان چند ورزش رو انجام ندن و روی یک ورزش تمرکز و سرمایه‌گذاری کنن، تعداد جام‌ها کم بشه و هزینه‌هایی که قرار هست صرف برگزاری جام‌هایی بشه که اسمشون جام ورزشی هست ولی تاثیری در رشد ورزش جامعمون نداره، صرف بهتر برگزار شدن جام‌های تخصصی، گرفتن مربی و سالن برای تیم‌های ورزشی، حمایت از ورزشکاران و تهیه ملزومات ورزشی تخصصی و سرمایه‌گذاری هدفمند روی استعدادهای جامعه بشه.





ماجرای های من و قرنطینه ۲

صدای رفیقم بود که میگفت: به به رفیق تو کجا، اینجا کجا بالاخره کرونا رو شکست دادی؟

جواب دادم: نه بابا این کرونای لعنتی مگه شکست میخوره؟! داره روز به روز جون دارترم میشه، تو چه خبر؟

یه کمی بهم نزدیک تر شد و رو نیمکت نشست و گفت: هیچی بابا، بدبختی و بیچارگی، عمم سه ماه پیش واسه کرونا خدابامرز شد عمومم پونزده روز بعدش، یک ماه پیشم که مامان بابام گرفتن اما الان خوبن خدا رو شکر، حالا هم داداش کوچیکم گرفته افتاده تو خونه، آبمیوه پرت شد تو گلوم یه چند تا سرفه کردم و از جام پا شدم و هی عقب عقب رفتم و گفتم ایشالا که بهتر میشن سلام منو بهشون برسون، دیگه انقدر دور شده بودم که داشتم داد میزدم، رفیقمم از اون ور داشت دنبالم میدوید و میگفت: کجا میری بابا، تازه

همو دیدیم، دیگه در حال فرار کردن گفتم: مامانم زنگ زده، باید برم، ببخشید خداحافظ. نفهمیدم از پارک تا خونه رو چه جوری دویدم، وقتی رسیدم خونه دم در همه لباسامو در اوردم و یکراست رفتم تو حموم، انقدر صورتمو با لیف سابیدم که چیزی از پوست اصلیم نمونه بود، مامانم گفت: چته؟ چرا انقدر قرمز شدی؟ چرا این جوری میکنی با خودت؟ گفتم: هیچی مادر، کروناست دیگه باید رعایت کرد.

مامانم در حالی که سینی چایی دستش بود اومد کنارم نشست و گفت: باریکلا پسر گلم، من بهت افتخار میکنم که انقدر به فکر مایی،

امروز خالت زنگ زد و گفت کرونای انگلیسیم اومده تو ایران، میگفت کلی بازیگر و فوتبالیست و هنرمندم بنده خداها، خدا بیامرز شدن، اصلا میگفت این کرونای جدید دیگه نه ماسک میشناسه، نه محلول ضد عفونی، نه خدا و دین و پیغمبر، یه سره میزنه میکشه، بیشترم خدا رو شکر با جوونا کار داره دست از سر ما برداشته.

چایی افتاد تو گلوم دیگه داشتم از سرفه کبود میشدم، گفتم: مادر من خدا رو شکر چیه؟ جوونا بمیرن خوبه آخه؟

مامانم در حالی که ریلکس لم داده بود به مبل، گفت: نه خدا نکنه ایشالا هیچکسی داغ جوون نبینه، ولی حالا خودت نگاه کن یه جوون بیست ساله نه کار داره، نه زن و بچه داره، نه سربازیشو رفته، خب این به چه درد میخوره زندگی واسش؟ کلی باید بدبختی بکشه تا



برسه به سن ما، ما بیشتر راهو رفتیم الان وقتشه بشینیم ثمره‌ی زندگیمونو ببینیم، بعد تو این سن خدای نکرده زبونم لال طوریمون بشه خدا راضیه؟
با خودم فکر کردم تا حالا با این دید نگاه

نکرده بودم به قضیه، داشتم هضم میکردم جملشو که دوباره گفت: عمت اینا زنگ زدن گفتن فردا شب میان خونمون، زن عموتم که اینو شنیده گفته همیشه عمت اینا بیان و ما نیاییم ما هم میایم، فردا شب کلی مهمون داریم.

با تعجب گفتم: آخه مادر من! عزیز من، کرونایی گفتن، الان وقت مهمونی گرفتنه با این اوضاع؟ انقدر همه‌جا دارن میگن پروتکل‌ها رو رعایت کنیم، دوره‌می نریم، فاصله اجتماعی رو رعایت کنیم، بعد شما داری علنا ما رو میندازی تو دهن شیر؟
مامانم در حالی که محکم زد به پام، گفت: پاشو پاشو نقد واسه من حرف فلسفی نزن، تو که اون اوایل دو سه روزی تب کردی و افتادی، هیچیتم نشد، دفعه بعدیم که بگیری خفیف میگیری، من و بابات باید به فکر خودمون باشیم که چیزیمون نشه خدای نکرده...

در حالی که داشتم با خودم تحلیل میکردم منو از کدوم پرورشگاه میتونستن آورده‌باشن اتاق رو ترک کردم.

ادامه در وهمن نامه آخر .